

درس پنجم - رهایی از قفس

واژگان

پیغام : پیام	بازرگان : تاجر
بازگو کردن : سخنی را دوباره گفتن	حبس : زندان ، بازداشت
خواجه : بزرگ ، سرور ، تاجر	دلنتگ : غمگین
همتا : همانند ، مثل	شیرین زبان : شیرین گفتار
زهره اش بدرید : ترسید	گران بها : با ارزش
شگفت زده : کسی که تعجب کرده ، متعجب	غلام : نوکر ، خدمتکار
زین : از این	ارمغان : هدیه ، سوغات
خام : بیهوده	کارت : که برای تو بیاورم
شادکام : خوشحال	خطه : سرمیں
شادکام : خوشحال	فلان : اشاره به شخص نامعلوم
کنیزک : خدمتکار ، زنی که برده باشد	مشتاق : دارای شوق ، آرزومند
نشان : علامت ، نشانه	قضا : تقدير ، سرنوشت
دریافت : دانست ، فهمید	دلداری دهد : همدردی کند ، غم خواری کند
گریستن : گریه کردن	شکر سخن : شیرین سخن ، شیرین گفتار
بند : طناب	گنبد کبود : منظور آسمان آبی است
ماجراء : اتفاق	غصه : ناراحتی ، غم
اسیر : زندانی	قافله : کاروان

هم خانواده

تجارت : تاجر	لذیذ : لذت
تعجب : متعجب	حبس : محبوس
شاکی : شکایت	شگفت زده : شگفت انگیز
حس : احساس	مشتاق : اشتیاق - شوق
عبور : عابر	سکوت : ساكت
اسیر : اسارت	وقت : اوقات
علم : علم - معلم	حال : احوال

مخالف

اسیر : آزاد	ثروتمند : فقیر
پرسش : جواب - پاسخ	رهایی : اسارت

كلمات دارای ارزش املایی

ثروتمند - طوطی - سوغاتی - ارمغان - کارت - خطه‌ی - پیغام - صحنه - موضوع - خواجه - زهره - شکر سخن - غار - باغ و حش - باغچه - یک دفعه - مامور - غصه - اتفاقا - قطر - حکمت - بازرگان - هندوستان - غلام - قضای روزگار - تجارت - کنیزک - لحظه‌ای -
--

رهایی از قفس

کارت از خطه‌ی هندوستان

گفت طوطی را چه خواهی ارمغان



به طوطی گفت : سوغاتی چه میخواهی
که از سرزمین هندوستان برایت بیاورم

- گفت آن طوطی که آن جا طوطیان
چون ببینی ، کن زحال ما بیان
طوطی گفت : زمانی که آن جا طوطی های دیگر را دیدی وضعیت من را برای آن ها بگو
- کان فلان طوطی که مشتاق شماست
از قضاى آسمان در حبس ماست
از سرنوشت و تقدیر بد در اسارت ما است
بگو که فلان طوطی که آرزوی دیدار شما را دارد
- این چرا کردم ، چرا دادم پیام
این چه کاری بود کردم ، چرا این پیغام را دادم
- کرد بازرگان تجارت را تمام
بازرگان تجارت را به پایان رساند
- هر غلامی را بیاورد ارمغان
به هر خدمتکاری و نوکری یک سوغاتی داد
- گفت طوطی ارمغان بنده کو
طوطی گفت پس سوغاتی من کو
- گفت گفتم آن شکایت های تو
بازرگان گفت درد دل و شکایت های تو را
- آن یکی طوطی ، ز دردت بوی برد
یکی از طوطی ها دردت را فهمید

آیا می دانید :

مولوی شاعر ایرانی قرن هفتم هجری قمری است . در شهر بلخ به دنیا آمد و در شهر قونیه وفات یافت . کتاب های مثنوی معنوی و دیوان شمس از جمله کتاب های اوست . یکی دیگر از لقب های او مولانا می باشد .

دانش زبانی :

گاهی بعضی از کلمه ها از دو کلمه با معنی ساخته می شوند و وقتی با هم ترکیب می شوند یک کلمه می مرکب با معنی جدید تشکیل می دهند
کتاب + نامه : نوشته ای که مشخصات کتاب در آن می آید .
کار+ نامه : نوشته ای که نتیجه کار هر فرد در آن می آید .

شناسنامه : نوشته ای که در آن اطلاعات شخصی هر فردی نوشته می شود

روزنامه : نوشته ای که در آن اخبار یک روز نوشته می شود

تبلیغ نامه : نوشته ای که در آن کسی تبلیغ می شود

تقدیر نامه : نوشته ای که از آن از کسی تقدیر و تشکر می شود

• گاهی اوقات شاعر برای زیبایی شعر از کلمات مخفف (کوتاه شده) استفاده می کند

کارمت : که برای تو بیاورم

• برای مقایسه دو تصویر باید به نکات زیر توجه کنید

- با دقت به جزئیات تصویرها نگاه کنید
- شباهت ها و تفاوت ها را دسته بندی کنید
- پس از مقایسه ای شباهت ها و تفاوت های تصویرها ، نوشته را جمع بندی کنید
- خوش خط و پاکیزه بنویسید

پرسش های متن درس

۱- متن زیر را عالیم نگارشی مناسب کامل کنید

بازرگان سکوت کرد نمی دانست چگونه موضوع مردن آن طوطی را به او بگوید طوطی که او را ساکت دید پرسید
ای خواجه چه شده به من بگو

۲- معنی هر واژه را بنویسید .

خطه :	زهره اش بدرید :	قضا :	ارمنان :
همتا :	حبس :	گفت خام :	بازرگو :

۳- درستی یا نادرستی عبارت های زیر را مشخص کنید

سال نامه نوشته ای است که اخبار و اطلاعات هر روز در آن نوشته می شود
بازرگان از هندوستان چند طوطی به عنوان سوغات آورد .
گفت خام به معنی کم سخن گفتن است
شناسنامه نوشته ای است که اطلاعات شخصی هر کس در آن نوشته می شود

۴- هم خانواده هر کلمه را بنویسید .

شاکی :	تعجب :	حبس :	تصمیم :
--------	--------	-------	---------

۵- مفهوم بیت زیر را بنویسید .

آن چه گفتی آن چه دیدی باز گو
گفت طوطی ارمنان بنده کو

۶- مخالف کلمات زیر را بنویسید :

شروع : خام : آزاد : گران بها : رهایی :

۷- در متن زیر غلط های املایی را پیدا کنید و درست آن را بنویسید .
بازرگان می خاست برای توطی زیبای خود سوقاتی گران بهایی بیاورد .
ای خاجه ، پیقام مرا به دوستانم در هندوستان برسان و از حال من آن ها را باخبر کن .

۸- با حروف در هم ریخته کلمات صحیح را بنویسید.
ت - ک - و - س ح - ظ - ه - ل ت - م - ق - ش - ا

۹- مفهوم ضرب المثل دسته گل به آب دادن را بنویسید .

۱۰- هر کلمه را به معنی آن وصل کنید
نوشته ای که در آن مشخصات شخصی نوشته می شود سالنامه
نوشته ای که هنگام خرید خانه بین خریدار و فروشنده نوشته می شود کتاب نامه
نوشته ای که در آن مشخصات کتاب ها نوشته می شود قولنامه
نوشته یا دفتری که در آن وقایع و مناسبت های یک سال نوشته می شود شناسنامه

۱۱- از روی سرمشق با خط زیبا بنویسید .
مشک آنس است که خود ببود نه آنکه عطار بگوید .
نادان چو طبل غازی، بلند آواز و میان تهی .

۱۲- جمله هایی بسازید که هر دو واژه در آنها باشد .

(الف) حیران، قضایا:
(ب) گران بها، تجارت:

۱۳- به سؤال های زیر پاسخ کوتاه دهید .

(الف) بزرگترین آرزوی طوطی چه بود؟
(ب) وقتی بازرگان طوطی را از قفس ببرون آورده، چه اتفاقی افتاد؟

(ج) ارمغان بازرگان برای طوطی چه بود؟

۱۴- مترادف واژه های مشخص شده را بنویسید .

(الف) در زمان های قدیم، حکیمی قصد سفر کرد. (.....)
(ب) کشتی با بادبان های برا فراشته، حرکت کرد. (.....)
(ج) لحظاتی بعد، بازرگان شروع به گریستن کرد. (.....)

(د) خبر آمدن آن مرد، به گوش امیر رسید. (.....)

۱۵- معنای کدام کلمه غلط است.

ب) ارمغان : هدیه

د) شگفت زده : خوشحال

الف) قضا : سرنوشت

ج) همتا : مانند

۱۶- نوشه ای که در آن اخبار یک ماه می آید چه نام دارد.

الف) روزنامه

ب) هفته نامه

د) کتاب نامه

-۷- می خواست - طوطی - سوغاتی - خواجه - پیغام

-۸- مشتاق - لحظه - سکوت

-۹- کار اشتباهی انجام دادن و باآن اشتباه باعث گرفتاری
دیگران شدن

-۱۰- سالنامه : نوشه ای که در آن وقایع و مناسب های یک
سال نوشه می شود

کتاب نامه : نوشه ای که در آن مشخصات کتاب نوشه
می شود

قولنامه : نوشه ای که هنگام خرید خانه بین خریدار و
فروشنده نوشه می شود

شناسنامه : نوشه ای که مشخصات شخص هر فرد
نوشه می شود

-۱۱- به عهده ی دانش آموز

-۱۲- به عهده ی دانش آموز

-۱۳- آزادی - پرواز کرد و رفت - رهایی از قفس

-۱۴- دانشمند - بالا رفته - تاجر - حاکم

-۱۵- گزینه د

-۱۶- گزینه ج

-۱- نقطه - نقطه - ویرگول - دونقطه - گیومه باز -

ویرگول - علامت سوال - گیومه باز - علامت سوال -

گیومه بسته - نقطه

-۲- ارمغان : هدیه - سوغات

قضا: سرنوشت - تقدیر

زهره اش بدرید: ترسید

خطه : سرزمهین

بازگو: بیان کن

گفت خام : سخن بیهوده

حبس : اسارت

همتا: مثل - مانند

-۳- نادرست

نادرست

نادرست

درست

-۴- تصمیم : مصمم

حبس : محبوس

تعجب : متعجب - عجیب

شاکی : شکایت

-۵- طوطی گفت سوغاتی من کو

آن چه گفتی و آن چیزی که دیدی برایم تعریف کن

-۶- شروع : پایان

خام : پخته

آزاد : اسیر

گران بها : ارزان

رهایی : اسارت



موفق باشید.

تهیه گننده: معصومه دادای